

## باید ها و نبایدهای جرم انگاری قاچاق اعضای بدن انسان با تاکید بر خلاء های حقوق کیفری ایران در این زمینه

شهریار شیراوند

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

### چکیده

قانونگذار برای مقابله با جرم قاچاق انسان در تاریخ ۸۳/۴/۲۷ قانون مبارزه با قاچاق انسان را به تصویب رساند ایران با تصویب این قانون هماهنگ با اقدامات بین المللی در پی آن بر آمد تا با این پدیده شوم مبارزه کند. اما تعجیل در تصویب موجب شد تا بسیاری از موضوعات مربوط به این جرم به سکوت برگزار شود. هرچند در قانون مبارزه با قاچاق انسان، قاچاق عضو هم پیش بینی شده است، اما باید توجه داشت که تفاوت هایی میان قاچاق انسان و قاچاق اعضاء وجود دارد. در مواردی که قاچاق انسان به قصد برداشت عضو انجام می گیرد، عنوان قاچاق عضو مطرح نمی شود و به استناد قانون مبارزه با قاچاق انسان، اصولاً با عنوان مجرمانه قاچاق انسان مواجه خواهیم بود. هرچند ماده ۳ قانون فوق، بر خلاف منطق حقوقی و عنوان قانون، در درجه نخست عمل مرتکب «قاچاق انسان» را در صورتی که از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی است (همانند قوادی، زنا و...) به این قانون احاله داده و از عنوان خاص قاچاق انسان دور کرده است. بنظر می رسد فرضیه تحقیق مورد تایید قرار می گیرد و بر این اساس سیاست جنایی پیش بینی شده در قبال جرم انگاری قاچاق اعضای بدن انسان در حقوق کیفری ایران ناکارا آمد و دارای خلاء و ابهام می باشد. در وضعیت جاری، طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اصل ۳۶ و ۱۶۷ قانون اساسی، قضات دادگاه ها موظف اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی و حکم نمایند و بر اساس قاعده فقهی «قبح عقاب بلا بیان» تا زمانی که رفتاری در قانون موضوعه جرم انگای نشده، تعقیب و مجازات آن موجه نیست. بنابراین هرچند به اقتضای موازین اخلاقی و الزامات بین المللی، تجارت اعضای بدن عملی ناپسند است، با فقدان عنوان مجرمانه «قاچاق/سوداگری عضو» در مقررات جزایی ایران، به نظر می رسد در این وضعیت، برای مقابله با مرتکبان آن و فارغ از اعمال واکنش ها و مجازات های اداری و انتظامی مناسب (مثلاً نسبت به کارکنان پزشکی مختلف) ممکن است اقدام افرادی که با فریب، اجبار یا حتی غفلت دیگران با برداشت عضو به گونه ای در فرایند سوداگری و قاچاق عضو انسان زنده یا مرده دخالت می کنند، حسب مورد با یکی از عناوین مندرج در کتاب های قصاص و دیه از قانون مجازات اسلامی همانند ایراد جنایت بر دیگری از طریق قطع عضو و حتی در مواردی سرقت یا افساد فی الارض منطبق کرد و رفتار برخی واطه ها دلالت آن را نیز به دلیل ترغیب یا تسهیل وقوع عمدی این جرایم، به استناد ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان معاونت در جرم تحت تعقیب قرار داد.

**واژه های کلیدی:** جرم انگاری، قاچاق اعضای بدن انسان، حقوق کیفری ایران، اسناد بین المللی

**مقدمه :**

قاچاق که اصولاً مبتنی بر ممنوعیت با محدودیت است، بر انتقال پنهانی یک چیز از یک نقطه به نقطه دیگر دلالت دارد. قاچاق می‌تواند به گونه‌های مختلفی انجام گیرد و یکی از این گونه‌ها، قاچاق اعضای انسان است که موضوعی متفاوت از جرم قاچاق انسان است. در اسناد بین‌المللی به قاچاق عضو اشاره شده و با آنکه نمی‌توان به تعریف واحدی که مورد اجماع بین‌المللی است، اذعان کرد، اما در برخی از آنها برای تبیین مفهوم آن، تلاش‌هایی صورت پذیرفته است. از مفاد گزارش سال ۱۹۹۷ گروه کاری بلاژیو تحت عنوان «پیوند، تمامیت جسمانی و قاچاق بین‌المللی» یا کنوانسیون حقوق بشر و زیست پزشکی شورای اروپا و پروتکل الحاقی آن درباره پیوند اندام‌ها و بافت‌های با منشا انسانی، به دست می‌آید که اساس جرم قاچاق عضو با خرید و فروش نامشروع اندام افراد به همانند یک کالا در قبال مشوق‌های اقتصادی مرتبط است و از طریق تجارت غیر قانونی اعضا، کسب منفعت مالی می‌شود؛ زیرا این اسناد هر گونه خرید و فروش اعضا برای کسب منفعت مالی مستقیم یا غیر مستقیم را منع می‌کنند.

در نظام حقوقی ایران، مقنن ایران در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان را تصویب کرد و قاچاق اعضا را نیز در ماده یک قانون مذکور پیش‌بینی نموده است. جرم قاچاق انسان شباهت‌های زیادی با آدم‌ربایی دارد، لیکن مهم‌ترین ویژگی آن فرامرزی بودن آن است.

عنصر قانونی قاچاق اعضا مطابق ماده یک قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ جرم‌انگاری شده است که مقرر می‌دارد: الف- خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج ب- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

عنصر مادی رفتار مادی فیزیکی در جرم قاچاق انسان به مانند غالب جرایم به صورت فعلی است که قانونگذار انجام آن را منع کرده است. در جرم قاچاق انسان نیز با مذاقه در تعریف ارائه شده در ماده یک، ملاحظه می‌گردد که تمامی اعمال ذکر شده در ماده فوق‌الذکر که البته جملگی حصری می‌باشند، صرفاً به صورت فعل مثبت قابل تحقق می‌باشند. جرم قاچاق اعضا از زمره جرایم مقید بوده و شرط تحقق آن حصول نتیجه خاص می‌باشد همانگونه که از تعریف در بند الف ماده یک پیداست، مقید به «خارج» یا «وارد ساختن» یا «ترانزیت» افراد می‌باشد. لذا تا زمانی که افراد با استفاده از اجبار و اکراه یا تهدید و... البته به قصد فحشاء و... از مرزهای کشور خارج یا وارد نشده و یا مورد ترانزیت واقع نشده اند جرم قاچاق اعضا به شکل تام محقق نگردیده است. هر چند که ممکن است تحت عنوان شروع به جرم قابل تعقیب باشد. البته در خصوص عنصر نتیجه در جرم قاچاق اعضا باید متذکر شد که صرف «وارد یا خارج ساختن یا ترانزیت» اشخاص یا اعضا مشمول جرم قاچاق نبود. جرم محال را در خصوص قاچاق اعضا می‌توان تصور کرد به این ترتیب که شخصی اقدام به خروج یک طفل از مرزهای کشور به قصد برداشت کلیه (اعضا) می‌نماید در حالی که بعد از آزمایشات مشخص می‌گردد که طفل، خود مشکل کلیوی دارد.

باید به این موضوع توجه داشت که قاچاق انسان با قاچاق عضو تفاوت دارد و در مواردی که قاچاق انسان به قصد برداشت عضو انجام می‌گیرد، عنوان قاچاق عضو مطرح نمی‌شود و به استناد قانون مبارزه با قاچاق انسان، اصولاً با عنوان مجرمانه قاچاق انسان مواجه خواهیم بود. هر چند ماده ۳ این قانون، بر خلاف منطق حقوقی و عنوان قانون، در درجه نخست عمل مرتکب

«قاچاق انسان را در صورتی که از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی است (همانند قوادی، زنا و...) به این قانون احاله داده و از عنوان خاص قاچاق انسان دور کرده است.

### مبحث اول: مفاهیم

همانگونه که پیشتر گفته شد قاچاق انسان به شکل ابتدایی آن تقریباً از بدو تولد بشر همزاد و همراه او بوده است. زیرا ماهیت بهره کشانه این جرم بیانگر یکسانی آن با جرائمی از قبیل بردگی، قوادی و بهره کشی جنسی و سایر اعمال بهره کشانه از افراد است که تقریباً همزمان با تولد بشر بوجود آمده اند. همچنین، قاچاق انسان همانند بیشتر پدیده ها از بدو پیدایش، هم در اسناد بین المللی و هم در حقوق داخلی با مفاهیم گوناگونی توصیف شده است. بر این پایه، یکی از نقاط قوت پروتکل قاچاق انسان ارائه ی تعریفی تقریباً جامع از این جرم است. بدین سان، شناخت تعاریف و مفاهیم اولیه این جرم و مقایسه آنها با تعاریف اخیر یکی از موضوعات این مبحث است.

### گفتار اول: تعریف قاچاق اعضای بدن

تعریف روشن و دقیقی از قاچاق اعضای بدن انسان به معنای اخص، در منظر بین المللی و و حقوق داخلی ایران وجود ندارد، لکن تلاش های فراوانی صورت گرفته است تا تعریف کاملی از این پدیده صورت گیرد، مثلاً هر عمل غیر قانونی مربوط به پیوند عضو طبق استاندارد های ملی یا بین المللی قاچاق عضو تلقی می شود. اما مشکل اصلی اینجاست که در اکثر تعریف های بین المللی و حتی داخلی قاچاق اعضای بدن انسان به عنوان زیر مجموعه و یکی از شاخه های قاچاق انسان (جهت برداشتن اعضا) مورد بحث و تعریف قرار گرفته است. قانون قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳/۴/۲۸ به تصویب رسیده است که در ماده ۱ می گوید قاچاق انسان عبارت است از:

الف- خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح و بردگی و ازدواج.

ب- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اخفا فرد یا افراد موضوع بند الف این ماده پس از عبور با همان مقصود.  
از منظر بین المللی قاچاق اعضای بدن انسان را به طور مقدماتی میتوان بدین شرح تعریف کرد:

۱- برداشت، نگهداری، ذخیره سازی، ارائه، توزیع، کارگذاری، حمل و نقل یا پیوند غیر قانونی اعضا، بافت ها یا سلول های بدن.

۲- مالکیت یا خرید اعضا، بافت ها یا سلول های بدن به منظور یکی از اعمال ذکر شده در گزینه نخست

۳- صرفاً به منظور کسب سود مالی یا اقتصادی به نفع فرد یا شخص ثالث.

طبق بیانیه کنفرانس مشترک جامعه پیوند و جامعه بین‌المللی نفرولوژی که در سال ۲۰۰۸ با حضور نمایندگان بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران در شهر استانبول ترکیه برگزار شد، قاچاق اعضا بدن بدین گونه تعریف شد: قاچاق عضو عبارت است از استخدام و بکارگیری، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا دریافت افراد زنده یا مرده یا اعضایشان به وسیله تهدید یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، آدم ربایی، فریب، تقلب، سو استفاده از قدرت یا وضعیت آسیب پذیری یا دادن یا دریافت پول یا منافع به یک شخص ثالث برای واگذاری کنترل اهداکننده بالقوه به منظور بهره‌کشی با خارج سازی اندام‌ها به منظور پیوند.

به طور کلی قاچاق اعضای بدن انسان به معنای خرید و فروش اعضای بدن و انتقال آنها به صورت غیر قانونی به دیگر نقاط جهان است. قاچاق اعضای بدن موضوعی متفاوت از قاچاق انسان و به منظور برداشت عضو می‌باشد، با خرید و فروش غیر قانونی اعضای انسانی همانند یک کالا و در برابر منفعت مالی و مادی مرتبط است. وقوع این پدیده در پرتو وسایل نامشروعی چون فریب، اجبار، سوء استفاده از قدرت یا وضعیت آسیب‌پذیری اشخاص و... است. قاچاق اعضای بدن معمولاً به شکل سازمان یافته و حرفه‌ای با دخالت کارکنان پزشکی ارتکاب می‌یابد و محدود به قلمرو سیاسی معینی نیست و فرامرزی است. بر اساس ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان در صورتیکه مرتکب جرم اقدام به قاچاق انسان یا معاونت در قاچاق اعضای بدن انسان کند و یا اینکه شروع به جرم قاچاق اعضای بدن انسان نماید با مجازات رو به رو خواهد شد. این مجازات عبارت‌اند از: مرتکب جرم قاچاق اعضای بدن انسان به موجب قانون، محکوم به تحمل حبس دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر مالی که اخذ نموده است، می‌باشد.

اگر سن فرد قاچاق شده کمتر از ۱۸ سال باشد، مرتکب به حداکثر مجازات حبس محکوم می‌شود.

معاون جرم قاچاق انسان به تحمل حبس از یک تا پنج سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال برده شده محکوم می‌شود. شروع به جرم قاچاق انسان و عدم تحقق کامل بزه، موجب محکومیت مرتکب به شش ماه تا دو سال حبس می‌باشد. کارکنان دولت و دستگاههای اجرایی که به نوعی در جرم قاچاق انسان همکاری کرده باشند علاوه بر مجازاتهای فوق به انفصال موقت یا دایم از خدمات دولتی هم محکوم می‌شوند.<sup>۱</sup>

اگر حین ارتکاب جرم قاچاق انسان، مرتکب جرم دیگری هم شده باشند به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شوند. تمامی وسایل نقلیه و آلات و ادوات ارتکاب جرم قاچاق اعضای بدن انسان و اموالی که با علم و قصد، به کار گرفته شده‌اند به نفع دولت ضبط می‌شود.

موسسات و شرکتهای خصوصی که به قصد ارتکاب جرم قاچاق اعضای بدن انسان، با نام و عنوان دیگری ثبت شده باشند، علاوه بر مجازات مدیران و مرتکبان، پروانه فعالیت آنها نیز لغو و باطل می‌شود.

لازم به ذکر است طبق ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق اعضای بدن انسان چنانچه قاچاق انسان توأم با ارتکاب به جرایم دیگری باشد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون به مجازاتهای مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد. به عنوان مثال در صورتی که قاچاق اعضای بدن و جوارح همراه با آدم ربایی، بچه دزدی و ورود غیر قانونی از مرز باشد، تجاوز و ... باشد مجرم به جرائم مذکور نیز محکوم می‌شود.

۱- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ انتشارات ققنوس ص ۹۸

به علاوه بر طبق روایات، فروش انسان با هر انگیزه ای مجازات قطع دست را در پی خواهد داشت و این امر در صورت تکرار به سبب سعی و تلاش در فساد، مصداق افساد فی الارض خواهد بود و کشتن وی جایز است. گفتنی است اتباع ایرانی که خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم قاچاق اعضای بدن انسان شده باشند، مشمول مقررات در ایران هستند و دادگاههای ایران صالح به رسیدگی به این جرم هستند.

### گفتار دوم: مفهوم قاچاق عضو در حقوق کیفری ایران

قاچاق به معنی وارد کردن کالا به کشور یا صادر کردن آن، بدون رعایت تشریفات قانونی است به نحوی که منجر به فرار از پرداخت مالیات‌ها و عوارض مقرر دولت و یا فرار از نظارت‌های قانونی شود.

«تجارت اعضای بدن» عمدتاً قاچاق کلیه است، چرا که برداشت سایر اعضای بدن مستلزم کشتن اهداکننده عضو می‌باشد، در حالی که این امر بسیار نادر است. اغلب افراد به فروش یک کلیه راضی می‌شوند اما با این حال نیرنگ‌هایی برای پرداخت بهای کلیه وجود دارد که گاهی پولی را نصیب فروشنده نمی‌نماید و اشخاص ممکن است به وسیله انواع مختلفی از اجبار و تهدید به این کار رضایت دهند. قربانیان تجارت کلیه، نه تنها در مرحله اول با شرایط اقتصادی ناگواری مواجه بوده‌اند، که آنها را مجبور به فروش کلیه‌هایشان نموده، بلکه با خطر مریضی به دلیل نداشتن اطلاعات کافی و عدم مراقبت‌های بهداشتی لازم نیز مواجه هستند. فروشندگان کلیه در برابر تاجران عضو تحت حمایت قانونی قرار نمی‌گیرند. به دلیل وجود موانعی که بر سر راه وجود دارد، بسیاری از شکایات جنایی، بایگانی شده و قربانیان ناآگاهانه رضایت داده و یا به دروغ شهادت داده‌اند که می‌خواهند کلیه خود را اهدا نمایند.

در حال حاضر هیچ آمار منتشر شده دقیقی در خصوص تعداد افراد قاچاق شده برای این جرم موجود نمی‌باشد. قربانیان گزارش شده به پلیس، عموماً مرد و بین سنین ۲۰ تا ۳۵ سال و ساکن مناطق به لحاظ اقتصادی محروم کشورهای در حال توسعه می‌باشند. تجارت غیرقانونی اعضای انسانی دربرگیرنده‌ی فعالیت‌های وسیعی از قبیل برداشتن اعضای بیماران مرگ مغزی بدون رضایت خانواده، فروش اعضای زندانیان، دادن پول به اهداکنندگان زنده جهت ترقیب آنها به فروش اعضای بدن خود و در مواردی نادر، دزدیدن اعضا هنگام عمل جراحی یا کشتن افراد به منظور برداشتن اعضای آنها می‌باشد. خصوصاً، قوانین اغلب کشورها اخیراً تصریح کرده که هرگونه داد و ستدی که در آن برای اعضای انسانی پولی رد و بدل گردد، غیرقانونی شناخته می‌شود.<sup>۲</sup>

بر اساس دانش پزشکی موجود، اعضای زیر را می‌توان از فرد زنده برداشت و با موفقیت پیوند زد:

- کلیه
- شش (فقط لوب‌ها و نه تمام شش)
- روده (فقط قسمت جزئی و به صورت خیلی نادر)
- لوزالمعده (فقط بخشی جزئی)
- جگر (فقط بخشی جزئی)

۲. فخرز، میررحیم؛ قاچاق انسان و تجارت بین المللی اعضای بدن، تهران، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران-پلیس آگاهی، انتشارات کارآگاه، ۱۳۸۶، ص ۳۶.

• قلب (که به پیوند دومینو معروف است).

کلیه اعضای بالا را می‌توان به صورت سالم به همراه روده کوچک، قرنیه، استخوان، پوست یا سایر بافت‌ها از فرد متوفی جدا و اهدا نمود. اما گروه خونی فرد اهداکننده بایستی با بیمار سازگاری داشته باشد.

برخلاف قاچاق سایر کالاها، از قبیل دارو و جنگ افزار، تجارت اعضای انسانی از زمان مفید محدودی برای عرضه برخوردار می‌باشد: زمان ماندگاری هر عضو در خارج از بدن، بسته به نوع عضو، مایع نگهدارنده و دمای نگهداری متفاوت است، اما موارد ذیل به طور کلی قابل اعمال می‌باشد:

- کلیه ۴۸ ساعت
- شش ۲-۴ ساعت
- لوزالمعده ۱۲-۱۸ ساعت
- کبد ۱۲-۱۸ ساعت
- قلب/ شش ۶-۴ ساعت

برای بیماران لیست انتظار، کمبود عضو باعث طولانی‌تر شدن زمان انتظار می‌شود، بدین معنی که ممکن است بیماران در طول زمان انتظار برای یک عضو دچار اختلال شوند یا حتی بمیرند. این مرگ‌ومیرها می‌توانستند با وجود اعضای بیشتر برای پیوند جلوگیری شوند. از آنجایی که اعضای بیشتر برای پیوند در دسترس نیستند، تصمیم اینکه چه کسی خواهد مرد و چه کسی زنده خواهد ماند بسیار مشکل است.

دیگر مشکل نشأت گرفته از کمبود عضو این حقیقت است که جایگزین‌های پیوند کلیه جهت درمان بیماری‌های کلیوی مانند دیالیز، نتایج ضعیف‌تری ایجاد می‌کنند و نیز پرهزینه‌تر از پیوند کلیه هستند.

ناامیدی بیماران منتظر پیوند منجر به نتیجه غم‌انگیز دیگر به نام قاچاق OTC<sup>۳</sup> و شکل وحشتناک‌تر قاچاق یعنی قاچاق انسان به منظور برداشت عضو می‌شود.

یکی از راه‌حل‌های تکنیکی مقابله با کمبود اعضای بدن برای پیوند، استفاده از به اصطلاح اهدا کنندگان ضوابط گسترش یافته (ECD)، اهدا کنندگانی که خصوصیات سنی و یا ابتلا آنها به بیماری، تأثیر منفی بر کیفیت اعضای بدن برای پیوند دارد.

بنابراین ممکن است بیماران ترجیح دهند اهدا کننده‌ی زنده جستجو کنند به ویژه به دلیل تغییرات در نمای اهدا کنندگان عضو متوفی در کشورهاشان، علاوه بر این، بسیاری از بیماران به دلیل فقدان بستگان راضی به اهدای عضو یا به دلیل تمایل به جلوگیری از خطرات یا فشار آوردن به عزیزان، مجبور به جستجوی اهدا کنندگان زنده خارج از محیط اطراف خود می‌گردند، که این امر یکبار دیگر منجر به قاچاق می‌گردد.

اهدای عضو از طرف اهداف کننده‌ی زنده به خودی خود نمی‌تواند نیازهای پیوند عضو یک جمعیت را حل کند، بنابراین اهدای عضو از طرف اهدا کننده‌ی زنده باید در کل به عنوان مکمل فعالیت اهدای عضو از اهدا کننده‌ی مرده در نظر گرفته شود. ارتباط بین قاچاق OTC و قاچاق انسان به منظور برداشت عضو به طور شفاف مشخص نشده است. تفاوت اساسی بین این

<sup>۳</sup>.Domino

-قاچاق اعضا، بافت‌ها و سلول‌ها

دو جرم این است که قاچاق اعضاء، جایی روی می‌دهد که عضو و استفاده از آن عناصر اصلی جرم را تشکیل می‌دهد، مهم نیست که آیا این عضو از شخص زنده برداشته شده یا از شخص مرده. در مقابل قاچاق انسان جایی که سوءاستفاده از فرد جنبه اصلی می‌باشد و جایی که باید ترکیبی از عناصر (عمل، ابزار، هدف) جهت اجرای جرم به کار روند، جرم است. بنابراین قاچاق انسان به منظور برداشت عضو تنها زمانی روی می‌دهد که اعضای بدن در یکی از موارد ذکر شده در تعریف از اهدا کنندگان زنده برداشت شوند.

. با این حال از آنجایی که هدف هر دو جرم یکسان نیست، تشابه‌هایی نیز دارند. به طور کلی معمولاً اهدای عضو فرد زنده حتی تحت شرایط قانونی غالباً توسط زنان انجام می‌گیرد. در مورد علت این امر چنین استدلال گردیده که مردان بیشتر از زنان در معرض ابتلا به مرحله‌ی نهایی بیماری کلیوی قرار دارند. با در نظر گرفتن این استدلال از دیدگاه زنان به عنوان اهدا کنندگان زنده تجاری در برخی از کشورهای آسیایی را تایید می‌کند. با این حال از دیدگاه زنان نسبت به مردان در گزارشات موجود دائمی نیست.

در حقیقت اکثریت مردان به عنوان اهدا کنندگان زنده تجاری در مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر مانند مصر «و ایران» مشاهده شده است.

بنابراین اطلاعات در دسترس به ما اجازه نمی‌دهد تا نتیجه بگیریم که یک مسئله جنسینی در رابطه با قاچاق انسان به منظور برداشت عضو وجود دارد.

در حقوق ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب، قانون خاصی در مورد مجازات قاچاق اعضای بدن وضع نشده است. تنها بند ب ماده ۲۱۳ قانون مجازات عمومی به نحوی نگارش شده بود که گویای یکی از مهم ترین اشکال قاچاق، یعنی قاچاق برای بهره کشی جنسی بود.

بعد از انقلاب اسلامی نیز، قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جایگزین قانون مجازات عمومی شد و فقط موادی که موضوعاتی از قبیل واسطه گری، قوادی داشت، که در این خصوص موجود می‌باشند. گذشته از تلاش‌های بین‌المللی در سطح جهانی، در سطح ملی انجام اقداماتی برای مقابله با پدیده قاچاق اعضای بدن ضروری است. راهبردهای حقوقی جهت پیشگیری با پدیده شوم قاچاق اعضای بدن در سطح ملی به قرار ذیل است:

وضع قوانین مناسب: فقدان قوانین مشخص و خاص چه در حمایت از بزه دیدگان و چه در مجازات دلالان و قاچاقچیان اعضای بدن موضوعی است که روز به روز موجب رونق بازار دست اندرکاران این پدیده خانمانسوز گردیده است. لذا اولین قدم در خصوص پیشگیری از این پدیده شوم در سطح ملی تصویب قوانین مناسب و سختگیرانه است.

- جلب اعتماد قربانیان قاچاق جهت همکاری آن‌ها با مقامات: برای این کار باید سیاست‌هایی اتخاذ گردد تا بر اساس آنها، با قربانیان به صورت شهود بالقوه رفتار شود.

در سطح ملی نیز در بسیاری از کشورها تلاش‌هایی برای پیشگیری با این معضل صورت گرفته و یا در حال انجام است. البته با آن که ایران کشوری نیست که به طور جدی با معضل قاچاق اعضای بدن روبرو باشد به لحاظ بررسی میزان رعایت تعهدات بین

۵. اشتری، بهناز؛ قاچاق زنان بردگی معاصر، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰؛ ص ۲۰۳.

المللی که ایران در این خصوص بر عهده دارد، در زمینه اقدامات پیشگیرانه تهیه اطلاعات و ارائه آموزش، به حداقل رساندن تعداد قربانیان قاچاق اعضای بدن و نیز به حداقل رساندن امکان وقوع این گونه فعالیت‌های مجرمانه، ارائه اطلاعات در زمینه معضلات ناشی از قاچاق اعضای بدن به عموم مردم، از بین بردن تصورات قالبی و تعصب‌ها، آموزش و ارتقای شیوه‌های تخصصی تحقیقات در خصوص فعالیت‌های جنایی مرتبط با قاچاق اعضای بدن، کمک به قربانیان و اجرای اقدامات پیشگیرانه از جمله این موارد است.<sup>۶</sup>

باید اشاره کرد که بعضاً قوانینی تصویب شده اند ولو اینکه نمی‌توان آنها را مؤثر در مقابله و مجازات با جرم قاچاق اعضای بدن قلمداد نمود اما به نظر می‌رسد تا حدودی به برخی از اشکال خاص قاچاق اعضای بدن انسان من جمله آدم ربایی، هتک حیثیت مجنی علیه، برداشت اعضا و غیره پرداخته اند.

به دلیل فقدان قانون جامع و خاص در خصوص جرم قاچاق اعضای بدن، اغلب قاچاقچیان و گروه‌های جنایتکار فعال در این جرم، از فقدان نص قانونی در مورد جرم قاچاق اعضای بدن سود برده، به فعالیت‌های جنایتکارانه دست زده و از مجازات می‌گریزند.

اگر زنان و دختران به حمایت قانونی اعتماد داشته باشند، زمینه فرو رفتن در بردگی و منجلاب فحشاء برایشان کاسته می‌شود. عوامل فقهی، عوامل فرهنگی چون نظارت اجتماعی فراگیر، تقویت اصول و اعتقادهای مذهبی در بین خانواده‌ها و جوانان، پیشگیری از کم رنگ شدن ارزشهای اخلاقی، اجتماعی و تربیت خانوادگی و توجه به زیر ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی، اطلاع رسانی دقیق و شفاف در خصوص پدیده تجارت انسان، تلاش در بازپروری قربانیان قاچاق، ارائه آگاهی‌های لازم به مسئولان مربوطه، عوامل اقتصادی و بالا بردن هزینه‌های اجتماعی-اقتصادی قاچاق اعضای بدن انسان می‌توان اشاره کرد.

اقداماتی چون بهبود وضعیت اقتصادی و حقوقی جوامع با همکاری تمامی گروه‌ها و ارگان‌های دولتی و خصوصی، بالا بردن سطح آگاهی آحاد جامعه نسبت به معضل قاچاق انسان و عواقب ناشی از آن، تربیت واحدهای تخصصی، پلیسی و قضایی از راه علمی و آموزش فنون ویژه در پیشگیری، و تحقیق و پیگرد شبکه‌های مافیایی و جنایتکار، یکسان نمودن مجازات معاونین در جرم قاچاق انسان، شکل‌ها و ساماندهی نهادهای مدنی در جامعه، کشف و شناسایی محل‌هایی که به صورت بالقوه می‌توانند مبدأ قاچاق انسان باشند مانند بنادر که از جمله اقدامات پیشگیرانه ملی-داخلی به شمار می‌آیند.

## مبحث دوم : سیاست تقنینی ایران در حوزه جرم انگاری قاچاق اعضا بدن

### گفتار اول : قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

یکی از جرایمی که عموماً در اثر فریب، اجبار، سوء استفاده از قدرت یا آسیب پذیری افراد و... صورت می‌گیرد قاچاق اعضای بدن است. این جرم اصولاً به صورت سازمان یافته و در قالب گروه‌های مافیایی و با همکاری کارکنان پزشکی انجام می‌شود. در قانون مجازات اسلامی ماده صریحی در این قبال وجود ندارد اما می‌توان در قالب سایر جرایم مانند جرایم سازمان یافته به

۶- بیابانی، غلامحسین و محمودی، محمد جواد؛ مهاجرت غیر متعارف یا قاچاق انسان، ص ۴۳



این جرم رسیدگی کرد، همچنین لازم به ذکر است طبق ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق اعضای بدن انسان چنانچه قاچاق انسان توأم با ارتکاب به جرایم دیگری باشد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون به مجازات های مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد. به عنوان مثال در صورتی که قاچاق اعضای بدن و جوارح همراه با آدم ربایی، بچه دزدی و ورود غیر قانونی از مرز باشد، تجاوز و ... باشد مجرم به جرائم مذکور نیز محکوم می شود.

به علاوه بر طبق روایات، فروش انسان با هر انگیزه ای مجازات قطع دست را در پی خواهد داشت و این امر در صورت تکرار به سبب سعی و تلاش در فساد، مصداق افساد فی الارض خواهد بود و کشتن وی جایز است.

گفتنی است اتباع ایرانی که خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم قاچاق اعضای بدن انسان شده باشند، مشمول مقررات در ایران هستند و دادگاههای ایران صالح به رسیدگی به این جرم هستند.

چنانچه شخصی مرتکب جرم قاچاق اعضای انسان شود یا معاونت در انجام آن را داشته باشد مجازاتش مطابق ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان به شرح زیر است:

- حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر مالی که دریافت کرده محکوم خواهد شد.
- چنانچه فرد قاچاق شده ۱۸ سال سن کمتر باشد، قاچاقچی به حداکثر مجازات محکوم می شود.
- معاونت در جرم قاچاق اعضای انسان به ۱ تا ۵ سال حبس و پرداخت جزای نقدی برابر با مال برده شده محکوم می شود.
- همچنین تمامی وسایل نقلیه و آلات ارتکاب جرم قاچاق اعضای بدن انسان و دیگر اموال به کار گرفته شده به نفع دولت ضبط خواهد شد.

قاچاق انسان و اعضای بدن انسان یک جرم درجه ۴ است و در صلاحیت دادگاه کیفری دو می باشد.

قاچاق افراد زیر ۱۸ سال یک جرم درجه سه و و در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود.<sup>۷</sup>

ماهیت جرم قاچاق اعضا به گونه ای است که لزوماً به شکل سازمان یافته و حرفه ای ارتکاب می یابد. پیچیدگی و طولانی بودن فرایند خارج سازی اعضا و جوارح و انتقال و جابه جایی آن، مستلزم به کارگیری دانش پزشکی و فناوری های مختلف و پیشرفته علمی از جمله بیولوژی است. همچنین هرچند این جرم در مواردی در داخل قلمرو یک کشور واقع می شود، غالباً در فرایند انجام آن مرزهای چند کشور درنور دیده می شود، بنابراین وطن خاصی را نمی شناسد.

مفهوم سازمان یافتگی یا ارتکاب گروهی در ارتکاب جرم تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بدون اینکه تعریفی از آن صورت گرفته باشد در قوانین خاص بکار برده و درباره گروه، هدایت، اداره و یا رهبری گروه مجرمانه رویکرد تشدید مجازات مد نظر قرار داده بود. به جز مواردی که قانونگذار بطور خاص به تشدید مجازات در این موارد پرداخته باشد عملاً این نوع از جرایم به طور مستقل مورد جرم انگاری واقع نشده و تنها مشمول تشدید مجازات در ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی سابق در مورد سر دسته می گردید. در قانون جدید انتظار می رفت که قانونگذار علاوه بر ارائه تعریفی دقیق از ماهیت این جرایم مجازات هایی را برای عضویت در این سازمان ها در نظر بگیرد اما در عمل قانونگذار در ماده ۱۳۰ تنها به تشدید مجازات سر دسته گروه مجرمانه پرداخته است و تعریف جرم سازمان یافته همچنان با ابهام مواجه است و علاوه بر آن عدم پیش بینی مجازات برای نفس عضویت در سازمان مجرمانه تکلیف معاونت و شروع به جرم در مورد این جرایم را نیز با ابهام مواجه می سازد. در واقع به پیروی از دیدگاه مسئولیت کیفری فردی مرتکبان این دسته از جرایم در سازمان مجرمانه تنها برای

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، ج دوم، نشر میزان، چاپ بیستونهم، تهران. ص ۲۴۱

اعمال قابل انتساب به خود از حیث مباشرت یا معاونت یا سبب قابل مجازات هستند و در مورد سایر اعمال ارتكابی توسط سایر اعضا یا عضویت در چنین سازمانی (به جز موارد حصری) مسئولیتی نخواهند داشت.<sup>۸</sup>

### گفتار دوم: قانون قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳

برای اینکه عملی جرم محسوب شود در وهله اول لازم است تا قانونگذار آن را بعنوان جرم پیش بینی و مجازاتی را در نظر بگیرد. در رابطه با موضوع مورد بحث ما تا قبل از سال ۱۳۸۳ در داخل کشور قانونی در رابطه با قاچاق انسان به منظور برداشتن اعضا یا به طور کلی قاچاق انسان وجود نداشت و مرتکبین و قاچاقچیان از این خلاء قانونی سو استفاده می کردند ولی با تصویب قانون قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ قاچاق انسان به شیوه های که در آن قانون پیش بینی شده است که یکی از آن به منظور برداشتن اعضا می باشد، جرم انگاری شد و برای آن مجازات تعیین گشت که در ادامه مباحث به بررسی جزئیات این قانون خواهیم پرداخت.

دومین مرحله برای انجام این عمل غیر انسانی و غیر اخلاقی وجود یک انسان زنده یا مرگ مغزی شده یا جسدی که قابلیت برداشتن اعضا سالم را دارد، می باشد که با رفتار مادی فیزیکی بر روی آن، جرم تحقق پیدا می کند. رفتار مادی فیزیکی به صورت فعل می باشد که در آن اعضای بدن انسان به صورت ارادی یا اجباری خارج شده یا خود انسان به منظور برداشتن اعضا به خارج از کشور قاچاق یا همان خارج، وارد و یا ترانزیت می شود. همچنین رضایت یا عدم رضایت مجنی علیه در تحقق این جرم بی تاثیر است و قاچاقچیان باز هم به مجازات جرم مذکور محکوم خواهند شد.

برای تحقق این جرم علاوه بر عنصر قانونی و مادی، عنصر معنوی یعنی داشتن قصد مجرمانه هم ضرورت دارد و این جرم در زمره جرایم مقید قرار می گیرد. قاچاقچیان باید علاوه بر داشتن سوءنیت عام یعنی همان داشتن علم و عمد نسبت به ارتکاب جرم، باید سوءنیت خاص هم یعنی قصد نتیجه که همان خارج سازی اعضای بدن و قاچاق آن و بالعکس آن را در قاچاق انسان به منظور برداشتن اعضا، که از طریق خارج یا وارد ساختن و ترانزیت افراد یا اعضا می باشد را داشته باشند. البته داشتن انگیزه نیز مرتکب را به انجام دادن عمل مجرمانه تشویق می کند که در موضوع مورد بحث ما به منظور کسب منافع مالی هنگفت می باشد.

بر اساس ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان در صورتیکه مرتکب جرم قاچاق انسان یا معاونت در قاچاق اعضای بدن انسان و یا اینکه شروع به جرم قاچاق اعضای بدن انسان نماید، به شرح زیر مجازات می شود.

۱- مرتکب جرم قاچاق اعضای بدن انسان به موجب قانون، محکوم به تحمل حبس دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر مالی که اخذ نموده است، می باشد.

۲- اگر سن فرد قاچاق شده کمتر از ۱۸ سال باشد، مرتکب به حداکثر مجازات حبس محکوم می شود.

۳- معاون جرم قاچاق انسان به تحمل حبس از یک تا پنج سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال برده شده محکوم می شود.

۴- شروع به جرم قاچاق انسان و عدم تحقق کامل بزه، موجب محکومیت مرتکب به شش ماه تا دو سال حبس می باشد.

۸- کریمی، بیژن، جرایم سازمان یافته در قانون مجازات اسلامی، سال انتشار: ۱۳۹۵، محل انتشار: اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی ص ۱۵

۵- کارکنان دولت و دستگاههای اجرایی که به نوعی در جرم قاچاق انسان همکاری کرده باشند علاوه بر مجازاتهای فوق به انفصال موقت یا دایم از خدمات دولتی هم محکوم می شوند.

۶- اگر حین ارتکاب جرم قاچاق انسان، مرتکب جرم دیگری هم شده باشند به مجازات آن جرم نیز محکوم می شوند.

۷- تمامی وسایل نقلیه و آلات و ادوات ارتکاب جرم قاچاق اعضای بدن انسان و اموالی که با علم و قصد، به کار گرفته شده اند به نفع دولت ضبط می شود.

۸- موسسات و شرکتهای خصوصی که به قصد ارتکاب جرم قاچاق اعضای بدن انسان، با نام و عنوان دیگری ثبت شده باشند، علاوه بر مجازات مدیران و مرتکبان، پروانه فعالیت آنها نیز لغو و باطل می شود.

طبق ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق اعضای بدن انسان که بیان می دارد: «چنانچه قاچاق انسان توأم با ارتکاب جرائم دیگری تحقق یابد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون به مجازات های مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد.»

بنابراین در صورتی که قاچاق اعضای بدن و جوارح توأم با آدم ربایی، بچه دزدی و ورود غیر قانونی از مرز باشد، طبق مواد مرتبط با جرائم مذکور مجازات می شوند و با عنایت به اینکه اعضا انسان مال محسوب می شود. مجرم بایستی طبق ماده ۶۶۷ قانون مجازات می شوند. این ماده مقرر می دارد: «در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود.»

البته بر طبق روایات، فروش انسان با هر انگیزه ای مجازات قطع دست را در پی خواهد داشت. و در صورت تکرار جرم به سبب سعی و تلاش در فساد، مصداق افساد فی الارض خواهد بود و کشتن وی جایز است.

نکته) اتباع ایرانی که خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم قاچاق اعضای بدن انسان شده باشند، مشمول مقررات قانون در ایران هستند و دادگاههای ایران صالح به رسیدگی به این جرم هستند. در موارد تعارض قوانین و ارتکاب جرم قاچاق انسان به صورت بین المللی و باندهای مافیایی، هر کشوری که جرم در آنجا ارتکاب یافته باشد صالح به رسیدگی است و طبیعتاً به جرایم ارتكابی در خاک و دریاهای ایران، کشتی های ایرانی و هواپیمای ایرانی، در ایران رسیدگی خواهد شد.<sup>۹</sup>

### گفتار سوم: لایحه قانون مبارزه با قاچاق انسان و اعضا بدن

لایحه "مبارزه با قاچاق انسان و اعضای بدن و مجازات عبوردهندگان غیرمجاز افراد از مرزهای کشور" که به پیشنهاد قوه قضاییه در جلسه مورخ ۰۸/۱۲/۱۳۹۸ هیأت وزیران به تصویب رسیده است، جهت طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است. در مقدمه توجیهی «لایحه مبارزه با قاچاق انسان و اعضای بدن و مجازات عبوردهندگان غیر مجاز افراد از مرزهای کشور»، موارد ذیل ضرورت های تدوین لایحه مذکور بیان شده است: وجود شرایط ناپایدار در برخی از کشورهای پیرامون جمهوری اسلامی ایران و به وجود آمدن زمینه تشدید اقدامات باندها و شبکه های تبهکاری قاچاق انسان از

- مرادی، نیلوفر، خرید و فروش اعضای بدن انسان از منظر حقوق کیفری، سال انتشار: ۱۳۹۹، محل انتشار: نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و<sup>۹</sup>

این رهگذر، تهدید امنیت داخلی و خارجی با توجه به وجود شرایط یادشده، لزوم اقدام برای دفع تهدید احتمالی مذکور با تقویت نظارت بر مرزهای مشترک از طریق هماهنگی بیشتر دستگاه‌های مرتبط با امر مبارزه با قاچاق انسان به ویژه در استان‌های مرزی، لزوم اصلاح قوانین و مقررات مربوط برای رفع خلأهای قانونی در راستای پیشگیری از قاچاق انسان و اعضای بدن و مهاجرت غیر مجاز و مجازات مرتکبان این اعمال<sup>۱</sup>.

اعضای کمیسیون قضائی و حقوقی در نشست روز سه‌شنبه (۲۵ آبان) لایحه مبارزه با قاچاق انسان و اعضای بدن و مجازات عبور دهندگان غیرمجاز افراد از مرزهای کشور را بررسی و دو ماده از آن را تصویب و برخی مواد دارای ابهام را به کمیته تخصصی ارجاع دادند.

بر اساس مصوبه کمیسیون مجازات‌های مالی و حبس ترانزیت کنندگان که به ترانزیت اتباع بیگانه به صورت غیرمجاز می‌پردازند و یا به آنها پناه می‌دهند تشدید شد.

گفتنی است، رفع ایرادات شورای نگهبان به طرح الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول از دیگر دستورکارهای روز سه‌شنبه کمیسیون قضائی و حقوقی بود؛ در نشست‌های گذشته برای تامین نظر شورای نگهبان اصلاحاتی در طرح انجام و در برخی موارد هم بر مصوبات کمیسیون اصرار شده بود که در نشست امروز ماده ۱۵ طرح به دلیل تعارض با ماده ۳ قانون تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار حذف شد.

همچنین طرح ۸ ماده‌ای «اصلاح قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور» نیز که در ماه‌های اخیر با تصویب دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال شده، در راستای دائمی شدن احکام مقرر در استجازه و تبدیل آن به قانون تدوین شده است.

### مبحث سوم: اعضای مورد قاچاق و دریافت کنندگان اعضای مورد قاچاق

طبق اخبار و آماري که در این زمینه منتشر شده است بیشترین اعضای بدنی که در جهان به منظور پیوند قاچاق می‌شوند عبارتند از: کلیه - قلب - کبد - چشم (قرنیه) - پانکراسروده - ریه - پوست - لوزالمعده - مغز استخوان - مفاصل - تاندون ها و بافت های بدن می باشد، دریافت کنندگان اعضای قاچاق شده هم اشخاص متمول و ثروتمندی هستند که به دلیل بیماری خود یا اعضای خانواده نیاز مبرم به عضو سالم و پیوندی دارند و با توجه به کمبود عضو پیوندی در کشور خود نمی‌توانند و نمی‌خواهند در صف دریافت و پیوند عضو به صورت قانونی قرار بگیرند. در قاره آسیا هند از مراکز عمده تجارت اعضای بدن بشمار می‌رود. همچنین مصر یکی از بزرگترین بنگاه‌های معاملاتی اعضای بدن جهان شناخته می‌شود، در مصر تا همین چند وقت پیش برداشتن اعضای بدن افراد فوت شده ممنوع بود. به همین علت مجلس مصر هفته گذشته قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن خرید و فروش اعضای بدن ممنوع و اهدای عضو به افراد نیازمند ساماندهی شد. براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، کشور مصر به همراه هند، چین و فیلیپین و پاکستان، یکی از پررونق‌ترین

<sup>۱</sup> - به نقل از خبرنگار معاونت حقوقی و امور مجلس

بازارهای خرید و فروش غیرقانونی اعضای بدن در جهان محسوب می شود. همچنین گزارش هایی از انتقال اعضا از کشورهای چینی و هند و برزیل به کشورهای مختلفی مانند آلمان و ایتالیا و در مواردی با استفاده از اسناد جعلی مشاهده می شود که حاکی از قاچاق اعضای گسترده است. ۱. شاید بتوان به ضرس قاطع رژیم غاصب صهیونیستی (اسرائیل) را یکی از بزرگترین مسئولین سازماندهی خرید و فروش اعضای بدن در دنیا دانست. اسرائیل در جنایتی پنهان و به دور از دوربین های رسانه ای دنیا و سازمان های حقوقی بشری با درآوردن و قاچاق اعضای مردم و بخصوص کودکان و دختران مناطق نواحی کرانه باختری و نوار غزه در کشور فلسطین علاوه بر اشغال و جنایت جنگی در این نواحی به این عمل غیر انسانی دست می زند و سود سرشاری از قاچاق اعضا بدست می آورد. در سایر کشور های فقیر و جنگ زده نیز یهودیان اسرائیلی فعالیت زیادی در رابطه با گرداندن قاچاق اعضای بدن انسان در جهان دارند. آخرین گزارش ها حاکی از آن است که حدود ۲۵ هزار کودک اوکراینی و افراد آذربایجانی در دو سال گذشته از سوی این شبکه غیرقانونی برای قاچاق اعضای بدنشان به اسرائیل منتقل شده اند. همچنین سازمان ملل در گزارشی تحت عنوان قاچاق انسان؛ الگوهای جهانی، رژیم صهیونیستی را در میان رژیم هایی که مقصد قاچاقچیان انسان به شمار می روند در زمره ۱۰ طرف نخست قرار داد. اما جدیدترین نمونه قاچاق اعضای بدن در سالهای اخیر در جهان مربوط به حکومت نامشروع و خودخوانده داعش می باشد. به گفته یکی از منابع امنیتی عراقی در خصوص نحوه جابجایی و انتقال اعضای بدن انسان از سوی داعش و تهیه این اعضا مسائلی را فاش کرد، به گفته این منبع امنیتی عراقی، داعش اعضای مذکور را از اعضای کشته های خود و اسرای که از شیعیان، مسیحیان و ایزدیان در اختیار دارد تهیه می کند، وی می گوید: از زمانی که داعش به بازار قاچاق اعضای بدن انسان در جهان پای گذاشته این بازار را تحت تاثیر خود قرار داده است و باعث شده بهای اعضای بدن انسان که به صورت قاچاق خرید و فروش می شوند کاهش یابند. در این راستا داعش ناگزیر شده است از تجربیات و فعالیت کارشناسان و پزشکان خبره با تابعیت های غربی و بعضا عربی و بخصوص پزشکان اسرائیلی بهره گیرد، پزشکانی که از نحوه نگهداری صحیح و انتقال درست این اعضا آگاهی دارند. بعد از تجهیز و راه اندازی این بیمارستان های صحرائی، داعش وارد بازار بین المللی قاچاق اعضای بدن انسان در جهان شد. به گفته وی، داعش به قاچاقچیان برجسته این حرفه اعلام کرد، می تواند اعضای بدن انسان را با قیمت های نزولی و با هر مقدار که بخواهند در اختیار آنها قرار دهد. داعش بارها برای تهیه اعضای بدن انسان مورد نیاز خود، این اعضا را از بدن اسرای خود که اغلب از مردان و زنان جوان و کودکان کمتر از ۱۲ سال هستند، تهیه می کند. وی در این باره به منظور مستند بودن سخنانش گفت: تاکنون چندین گور دسته جمعی کشته های مربوط به داعش و اسرای آنها توسط ارتش عراق و نیروهای امنیتی کشف شده است که این اجساد فاقد اعضای حیاتی بودند. وی افزود: بعد از جدا سازی اعضای مهم و حیاتی بدن کشته ها و اسرای به قتل رسیده داعش این اعضا را به کشورهای نزدیکی مثل ترکیه و اقلیم کردستان عراق منتقل می کند تا پس از آن به سرعت به اروپا و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و کشورهای شرق آسیا و حتی آمریکا ارسال شوند. متأسفانه با تمامی مواردی در که بالا ذکر شد سازمان ها و نهاد های حقوق بشری در اکثر موارد در مقابل این جرایم و قربانیان آنها بخصوص زنان و کودکان با تطمیع بعضی کشورها و دولت هایی به مانند: کشورهای غربی که منافع مالی در این تجارت پر سود دارند، سکوت کرده یا در حد اعلان بیانیه ای اکتفا می کنند و تا امروز شاهد مبارزه ای جدی در جهت حل این معضل جهانی و جنایت علیه بشری نبوده ایم.

**مبحث چهارم: بررسی جرم انگارانه قاچاق اعضای بدن در نظام حقوقی ایران و خلاء های موجود**

علاوه بر رفتار غیر انسانی قاچاقچیان و سوداگران قاچاق اعضای بدن، پدیده قاچاق عضو به پیشرفت های علمی دنیای پیوند مرتبط است و همکاری کارکنان پزشکی (پزشکان و پرستاران) در فرآیند انجام آن ضروری بوده و بدون دخالت آن ها و مراقبت های ویژه، ارتکاب آن و خارج سازی اعضا ناممکن است، زیرا اعضا و جوارح انسان فقط تحت مراقبت های ویژه و آن هم برای مدت زمان معینی می توانند در خارج از بدن نگهداری شده و بصورت سالم دوام داشته باشند. بنابراین واضح است که برای انتقال و جا به جایی اعضای بدن انسان، کارکنان پزشکی دخالت دارند و همکاری ماموران و مقامات دولتی وقوع آن را تسهیل می کند. اگر مختصر نگاهی به قوانین کیفری ایران بیندازیم خواهیم فهمید که متأسفانه قانون مشخص و خاصی در رابطه با قاچاق اعضای بدن انسان وجود ندارد و خالی ماندن جرم انگاری این امر در نظام حقوقی ایران در شرایط کنونی بسیار احساس می شود. اما در بعضی قوانین مانند: قانون قاچاق انسان به طور ناقص به آن اشاره شده است. به طور کل تا قبل از سال ۱۳۸۳ قاچاق انسان به منظور برداشتن اعضا بدن جرم انگاری نشده بود. در اینجا به بررسی قوانین موجود و مرتبط با موضوع مورد بحث می پردازیم.

**گفتار اول: قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲**

اولین قانونی که به آن خواهیم پرداخت، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می باشد که در بخش دیات و تعزیرات به مواردی مرتبط با موضوع بحث ما تحت عنوان مجازات مرتکبین جرایم بین المللی و جنایت بر عضو و مجازات مرتکبین جرایم گسترده اشاره کرده است. در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است که مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه ها و مقررات بین المللی در هر کشوری یافت شود، در همان کشور محاکمه می شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می شود. این ماده مبین اصل صلاحیت جهانی می باشد و طبق عهدنامه ها و اسناد و مقررات بین المللی، مرتکب جرم صرف اینکه جرم در کجا ارتکاب یافته، در هر کجا یافت شود در همان کشور محاکمه می شود. جرایمی مانند: تروریسم - قاچاق مواد مخدر و... را هم شامل می شود. در هیچ کدام از اسناد بین المللی سخنی از قائل شدن اصل صلاحیت جهانی برای کشورها جهت رسیدگی به جرم قاچاق اعضای بدن انسان نشده است ولی اگر در آینده طی کنوانسیون جدیدی این اصل برای کشورها در راستای مبارزه با قاچاق اعضای بدن انسان قایل شوند میتوان گفت: طبق ماده ۹، قاچاقچیان اعضای بدن انسان فارغ از تابعیت آنها و همچنین محل ارتکاب جرم آنها در ایران یافت و دستگیر شوند طبق قانون ایران قابل محاکمه خواهند بود. در ماده ۲۸۶ آمده است که: هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد. طبق این ماده پزشکان یا قاچاقچیان اعضای بدن انسان که به طور گسترده (سازمان یافته) دست به این عمل می زنند و سبب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد می شوند با حصول شرایط فوق مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردند. اما در بعضی موارد که دادگاه رفتار مرتکبین را مانند قصد ایراد خسارت

عمده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ محکوم می‌شود. در ماده ۳۸۶ آمده است که: مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی\_ علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر اینصورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد. این ماده شامل رفتار کارکنان پزشکی (پزشک و پرستار) می‌شود که در فرآیند تحقق عمل خارج سازی و نگهداری اعضای بدن فرد به منظور قاچاق عضو نقش بسزایی دارند. همانطور که مشخص است در صورتی که عمل این افراد به صورت عمدی و با سوءنیت باشد مشمول ولی با توجه به اینکه در موضوع مورد بحث ما (خارج سازی اعضای بدن) شرایط و امکان قصاص و جود ندارد، به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می‌شوند. همچنین در مواردی که اعضا قابل استفاده میت با ایجاد جنایت بر وی برداشته می‌شود طبق ماده ۷۲۲ قانون مجازات اسلامی مرتکب قابل مجازات است، که بیان می‌دارد: دیه جنایت بر میت، یک دهم دیه کامل انسان زنده است مانند: جدا کردن سر از بدن میت که یک دهم دیه و جدا کردن یک دست، یک بیستم دیه و هر دو دست، یک دهم دیه و یک انگشت، یک صدم دیه کامل دارد. دیه جراحات وارده به سر و صورت و سایر اعضا و جوارح میت به همین نسبت محاسبه می‌شود. طبق ماده ۷۲۳ هرگاه آسیب وارده بر میت، دیه مقدر نداشته باشد، یک دهم ارش چنین جنایتی نسبت به انسان زنده محاسبه و پرداخت می‌گردد. همچنین در بحث نهاد های ارفاقی طبق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مرتکبین جرم قاچاق اعضای بدن انسان و قاچاق انسان به منظور برداشتن اعضا مشمول استفاده از این نهادها (تعویق و تعلیق) نمی‌باشند.

### گفتار دوم: قانون قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳

یکی دیگر از قوانینی که در نظام حقوقی ایران تصویب شده و مربوط به موضوع مورد بحث ما می‌باشد، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ می‌باشد که این قانون با تمام نقاط ضعف و قوتی که دارد میتوان تصویب آن را گامی مهم و موثر برای مبارزه با این پدیده سازمان یافته و فراملی و پیوستن به اجماع بین المللی در راستای مقابله این پدیده ضد حقوق بشری دانست. میتوان گفت بند الف ماده ۱ این قانون، قاچاق انسان به منظور برداشتن اعضا راهم شامل می‌شود. طبق این ماده، قاچاق انسان عبارت است از:

الف- خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفا فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

همچنین طبق ماده ۲ همین قانون اعمال زیر در حکم قاچاق انسان می‌باشد:

الف- تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.

ب- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده ۱ این قانون هر چند با رضایت آنها باشد.

ج- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیر مجاز افراد به قصد فحشا هر چند آنان باشد.

در ماده ۳ همین قانون مجازاتی که برای مرتکبین مشخص شده است که بدین شرح است:

چنانچه عمل مرتکب (قاچاق انسان) از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می شود.

تبصره ۱- چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می شود.

تبصره ۲- کسی که شروع به ارتكاب جرائم موضوع این قانون نماید لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد. (شروع به جرم قاچاق اعضای بدن انسان)

تبصره ۳- مجازات معاونت در جرم «قاچاق انسان» به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، خواهد بود.

در حالی که هدف اصلی از وضع این قانون مبارزه جدی با قاچاق انسان بوده است ولی قانونگذار بدون هیچ مبنایی در تعیین عنوان مجرمانه، به مواد مقرر در قانون مجازات اسلامی اولویت داده است. حتی در مواردی که عمل مرتکب، منطبق با یکی از عناوین قانون مجازات اسلامی است و هم زمان قابل تطبیق با قاچاق انسان است باید طبق قاعده تعدد معنوی اقدام می شد نه اینکه قانونگذار صریحا اولویت را به مواد قانون مجازات اسلامی بدهد. همچنین مجازات شروع به جرم و معاونت در جرم قاچاق انسان با توجه به گستردگی و سازمان یافته بودن آن در مقایسه با سایر جرایم بسیار خفیف بوده و بازدارندگی خاصی آنطور که باید و شاید نمیتواند داشته باشد. ۲ و سایر مواد... با نگاهی اجمالی به متن قانون مشاهده می شود که تعجیل در تصویب این قانون موجب شد تا بسیاری از موضوعات مربوط به این جرم در این قانون به سکوت برگزار شود و بطور کلی توجه و اشاره خاصی به قاچاق اعضای بدن نیز نشده است و بیشتر سایر اشکال قاچاق انسان را شامل می شود که قاچاق انسان جهت برداشتن اعضا نیز یکی از آنها می باشد. همینطور عدم اشاره به مواردی مانند: تعریف جرم سازمان یافته و رفع ابهامات موجود به طور صریح، تشدید مجازات قاچاق زنان نظیر اشخاص کمتر از ۱۸ سال، پیش بینی مقررات پیشگیری از جرم قاچاق، عدم اعمال تخفیف قانونی برای مرتکبان قاچاق، حمایت از بزه دیده در صورت بازگشت به کشور و معافیت بزه دیده از مجازات و حمایت در فرآیند دادرسی و... از این موارد می باشد که مسکوت مانده است. به طور کلی این قانون فقط به جرم انگاری و تعقیب جرم قاچاق انسان توجه کرده است و به راهبرد پیشگیری و حمایت از بزه دیدگان جرم نپرداخته است.

### گفتار سوم: لایحه ی قانون مبارزه با قاچاق انسان و اعضای بدن انسان

اما در اواخر سال ۱۳۹۷ با هدف تقویت نظارت بر مرزهای مشترک از طریق هماهنگی بیشتر دستگاه های مرتبط با امر مبارزه با قاچاق انسان به ویژه در استان های مرزی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط برای رفع خلاء های قانونی در راستای پیشگیری از قاچاق انسان و اعضای بدن انسان و جلوگیری از مهاجرت های غیر مجاز، به پیشنهاد قوه قضاییه در جلسه ی هیئت وزیران لایحه ی مبارزه با قاچاق انسان و اعضای بدن و مجازات عبور دهندگان غیر مجاز افراد از مرزهای کشور به تصویب رسید. (اصلاح قانون مبارزه با قاچاق انسان) و در فروردین ماه ۱۳۹۸ توسط رئیس جمهور برای طی تشریفات قانونی این لایحه به مجلس ارسال شد. هر چند اصلاح این قانون (قاچاق انسان) فعلا در حد لایحه می باشد و تبدیل به قانون رسمی نشده است و تغییرات و بحث و بررسی های بیشتری در مجلس بر سر آن خواهد شد ولی ما در این اینجا به بررسی آن می پردازیم.



طبق این لایحه، ماده ۱- قاچاق انسان عبارت است از:

الف- خارج یا وارد کردن و یا عبور دادن (ترانزیت) فرد یا افراد از مرز های کشور، همراه با رضایت آنها یا بدون آن از طریق به کار بردن اجبار، تهدید، اکراه، فریب و یا سو استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا وضعیت فرد یا افراد یاد شده با قصد فراهم ساختن موجبات فحشا یا سایر اشکال بهره کشی جنسی یا ارائه اجباری خدمات، کار، ازدواج، آزمایش پزشکی یا بردگی.

ب- هرگونه فعالیت از قبیل تحویل دادن، تحویل گرفتن، انتقال، نگهداری و پنهان کردن افراد موضوع بند (الف) این ماده، پس از عبور از مرز و در هر نقطه از کشور، با حداقل یکی از مقاصد مندرج در بند مذکور.

ماده ۲- هر گونه فعالیت از قبیل تحویل دادن یا تحویل گرفتن، انتقال، اخفا و نگهداری افراد موضوع بند (الف) ماده (۱)، قبل از عبور از مرز در هر نقطه از کشور چنانچه با حداقل یکی از اهداف و مقاصد مندرج در ماده (۱) باشد، در حکم قاچاق انسان است و مجازات قاچاق انسان در مورد مرتکب اعمال می گردد.

ماده ۳- هر کس مرتکب قاچاق انسان موضوع مواد (۱) و (۲) این قانون شود به حبس و جزای نقدی درجه چهار محکوم می شود.

ماده ۴- هر کس به هر طریقی مرتکب خارج یا وارد یا عبور (ترانزیت) غیر مجاز انسان مرده یا عضو یا اعضای بدن انسان زنده یا مرده مانند: کلیه، خون و بافت شود و یا پس از ورود آنها به داخل کشور مبادرت به حمل یا نگهداری آنها نماید، چنانچه اقدامات فوق به قصد تجارت باشد، به حبس و جزای نقدی درجه ۱۵ و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش محکوم می شود.

تبصره- حکم به قصاص یا پرداخت دیه در موارد مذکور در این ماده تابع قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می باشد.

ماده ۵- هرگاه رفتار مرتکب مشمول یکی از موارد زیر باشد، مجازات مرتکب یک درجه شدیدتر می شود: الف- چنانچه نسبت به اطفال، نوجوانان، زنان، افراد ناتوان یا کم توان ذهنی یا جسمی و یا افراد آسیب دیده ساکن مناطق سیل زده - زلزله زده و جنگی و امثال آنها واقع شود.

ب- چنانچه به نحو سازمان یافته واقع شود.

پ- چنانچه نسبت به افراد ممنوع الخروج یا ممنوع الورد و یا نسبت به مرتکبین جرایم موضوع ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ولو آنکه هنوز تحت تعقیب کیفری قرار نگرفته باشند واقع شود و مرتکب با علم به این وضعیت ها اقدام نموده باشد.

ت- هرگاه مرتکب از کارکنان دستگاه های اجرایی یا نیروهای مسلح باشد و در حین انجام وظیفه قانونی باشد یا با سو استفاده از موقعیت شغلی خود این جرایم را مرتکب شود.

ث- چنانچه مرتکب سرپرست قانونی طفل باشد.

همچنین طبق تبصره ۳ این ماده: مجازات سردستگی جرایم موضوع این قانون مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دو درجه تشدید می شود.

ماده ۶- هر فرد که با رضایت خود و بدون داشتن اضطرار، با مقاصد مندرج در بند الف ماده (۱) این قانون موجبات وقوع جرم قاچاق انسان را نسبت به خود فراهم نماید، به مجازات معاون محکوم می شود. و سایر مواد... که مربوط به بحث ما نمی باشد.

در این ۶ ماده که مربوط به بحث ما می باشد، آنطور که مشاهده می شود نسبت به قانون سال ۱۳۸۳ تغییر و تحولات بسیاری انجام شده و محدوده شمول قاچاق انسان گسترده تر شده و به طور دقیق بدان پرداخته شده است و همچنین مبحث

قاچاق اعضای انسان نیز به طور اختصاصی در ماده جداگانه ای پرداخته شده است و ضمانت اجرای کیفری آن مخصوصا برای قاچاقچیان و سردستگان این جرم که بصورت سازمان یافته فعالیت می کنند نیز شدید تر شده است و مجازات خود اشخاص موضوع این جرم با داشتن شرایطی به عنوان معاون نیز مشخص شده است. البته شاید بعضی خلاها و ابهاماتی باقی مانده باشد که امید است این موارد با بحث و بررسی در مجلس شورای اسلامی و کمیسیون قضایی اصلاح شود و قانون مناسب و در خوری در این رابطه هر چه زودتر به تصویب برسد.

یکی دیگر از قوانینی که بیشتر ناظر به قاچاق انسان به منظور برداشتن اعضا می باشد بحث خرید و فروش کودکان بدین منظور می باشد که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ به ممنوعیت و جرم انگاری خرید و فروش و قاچاق و... کودکان پرداخته است همچنین اصلاح این لایحه ی در سال ۱۳۹۱ در دستور کار قرار گرفت که در آن هم مرتکبین خرید و فروش و انتقال و قاچاق خود اطفال و نوجوانان و اعضا و جوارح اطفال و نوجوانان به مجازات های شدیدتری نسبت به قانون سال ۱۳۸۱ قرار گرفته اند و نوآوری ها و تغییراتی نیز در این لایحه رخ داده است که فعلا تا زمان انجام این مقاله و جستجو در سایت هابنظر می رسد در مرحله بررسی و تایید نهایی می باشد.

## مبحث پنجم : چالش ها و خلاء های تقنینی در حوزه جرم انگاری قاچاق اعضا بدن انسان و راه های برون رفت از آن

### گفتار اول : خلاها و مشکلات قوانین مرتبط به منظور پیشگیری و مبارزه

بر اساس یافته های بدست آمده در این مطالعه تحلیلی، به وضوح قابل مشاهده است که دلایل مختلف و قانع کننده ای برای افزایش قاچاق اعضای بدن انسان در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. از جمله این دلایل میتوان فشار اقتصادی و فقر را در کشورهای کمتر توسعه یافته و جهان سومی و عدم کنترل دقیق مرزها و یا عدم نظارت یا فساد مسئولین مربوطه را در این موضوع نام برد. همچنین فقدان فرصت های آموزشی و شغلی حاکی از آن است که افراد به دادن و فروش اعضای بدن خود به صورت داوطلبانه و با انگیزه کسب منافع مالی تمایل پیدا کرده اند. به این عوامل می توان فهرست های طولانی دریافت کنندگان عضو در بیمارستان ها و وجود سود هنگفت برای قاچاقچیان در این جرم را نیز اضافه کرد. اهمیت این جرم به حدی است که تمام سازمان های فراملی و جهانی همچون سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی و جامعه نفرولوژی و...، کشورها و دولت های عضو را به جلوگیری از این پدیده شوم و انجام اقدامات پیشگیرانه و مبارزه با این جرم دعوت می کنند. از دیگر دلایل افزایش و گسترش این پدیده غیرانسانی و ضد حقوق بشری عدم وجود قوانین مناسب چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی می باشد هر چند کنوانسیون ها و قوانین موجودی که در چندین سال گذشته به تصویب رسیده است پیوند عضو غیرقانونی و تجاری سازی اعضای بدن و به طور کلی قاچاق اعضای بدن انسان را منع کرده است و دولت ها را دعوت به انجام اقدامات پیشگیرانه و همکاری در مبارزه با این جرم کرده است ولی نه تنها آمار این جرم کاهش نیافته است بلکه قاچاق اعضای بدن انسان به طور چشمگیری گسترش یافته است. جامعه بین المللی بخش وسیعی از امکانات و نیروهای قضایی و پلیسی خود را بکار گرفته است تا از این پدیده شوم جلوگیری کرده و از بزه دیدگان این گونه جرایم سازمان یافته فراملی

حمایت نماید. راهبرد حمایت از بزه دیدگان با انگیزه پیشگیری از وقوع مجدد جرم و از آن روست که آن‌ها قربانی یک جرم اند و نه لزوماً مجرم. حمایت از بزه دیدگان قاچاق اعضای بدن انسان متکی به دلایل انسانی و بر مبنای ارزش‌های حقوق بشری است و با ارزش‌های اسلامی مبنی بر دستگیری از اشخاص آسیب‌پذیر و کمک به آنها نیز موافق است. حمایت از قربانی به جلب اعتماد او به سازمان‌های قضایی مربوطه و همکاری او با مقامات صلاحیت‌دار و در نتیجه اجرای عدالت کمک می‌کند و راه بازگشت قربانی به جامعه را هموار می‌کند. یکی دیگر از عوامل اینکه با وجود اسناد بین‌المللی مختلف موفقیت چشمگیری در پیشگیری و برخورد از این جرم حاصل نشده، ناهماهنگی و عدم تبادل اطلاعات و یکسان نبودن اقدامات انجام شده بین کشورهای عضو اینترپل می‌باشد که بی‌تاثیری اقدامات کشورها و مقررات مندرجه در اسناد بین‌المللی را در پی داشته است. همچنین مسئله قاچاق اعضای بدن انسان یا قاچاق انسان به منظور برداشتن اعضا بسیار مهمتر از آن است که با چند کنوانسیون بین‌المللی به مقابله و مبارزه با آن پرداخت. یکی از راه‌های موثر و کارآمد برخورد با این پدیده این است که این موضوع در کنار جنایات بین‌المللی و علیه بشریت اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری باشد و از مصادیق آن تلقی شود و دیوان در مقام رسیدگی به این جرایم برآید. همچنین پیش‌بینی اصل صلاحیت جهانی برای کشورها برای مقابله با این جرم شود تا بدین وسیله با رسیدگی قضایی به این معضل جهانی سعی در برخورد و مبارزه بهتر و هماهنگ‌تر با این جرم شود. از طرفی دیگر تمامی کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی مطرح شده در بحث فقط برداشت اعضای بدن انسان را ذیل مبحث قاچاق انسان ذکر می‌کنند و هیچ‌کدام به برداشت و قاچاق اعضا، بافت‌ها و سلول‌های بدن به معنای اخص اشاره‌ای ندارند که این خود خلاء بزرگی در این زمینه می‌باشد. در این زمینه نیز هرچند کشور ما ایران به عضویت بعضی از کنوانسیون‌ها در آمده است و بعضی از آنها را امضا کرده است ولی هنوز چندین سال است که دلایل مختلف آن را تصویب نکرده است. در نظام حقوقی ایران در راستای مبارزه با این پدیده غیر انسانی گام‌هایی هر چند کوچک برداشته است و قانون قاچاق انسان را در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسانده است و در صدد اصلاح قانون مذکور و سایر قوانین مرتبط به منظور پیشگیری و مبارزه بهتر با قاچاق اعضای بدن انسان و حمایت از قربانیان و بزه‌دیدگان می‌باشد که خلاء نبود آن حس می‌شود.

### گفتار دوم: مجازات با جراحان و پرستاران و کادرهای بیمارستانی

از جمله اقدامات ضد حقوق بشری که امروزه گریبانگیر جامعه جهانی و همچنین کشور ایران می‌باشد مساله قاچاق اعضای بدن انسان است که امروزه نظاره‌گر افزایش بی‌سابقه آن می‌باشیم که توسط سازمان‌های جنایتکار بین‌المللی صورت می‌گیرد. با پیشرفت تکنولوژی و گسترش جوامع، اعمال مجرمانه و پدیده‌های ضد حقوق بشری نیز دچار تغییرات و تحولات اساسی گشته است. می‌توان قاچاق انسان (به منظور برداشتن اعضا- فحشا و...) را بعد از قاچاق مواد مخدر و قاچاق اسلحه به عنوان سومین منبع درآمد به وسیله سازمان‌های جنایی فراملی دانست. کمک تیم‌های پزشکی ماهر اعم از جراحان و پرستاران و کادرهای بیمارستانی در فرآیند ارتکاب این جرم غیر قابل انکار می‌باشد چرا که در بحث برداشتن اعضای بدن و پیوند اعضا، بدون وجود تیم‌های پزشکی و اقدامات و مراقبت‌های آنان انجام اینگونه جرایم غیر ممکن می‌باشد. کودکان و زنان و مردان جوان به دلایل مختلف بیشتر در مقایسه با سایرین قربانی این جرم واقع می‌شوند.

**گفتار سوم: حل مشکلات اقتصادی**

پدیده قاچاق عضو مغایر کرامت انسانی و موجب تضعیف جریان اهدای نوع دوستانه عضو است از اینرو در سطح جهانی در چند سند بین المللی و منطقه ای برای مبارزه با آن دو راهبرد مورد توجه قرار گرفت: اول منع تجارت و کسب منفعت با اعضای بدن انسان و دوم جرم انگاری قاچاق عضو و تعقیب مرتکبان آن. با توجه به نیاز روز افزون برخی بیماران به پیوند کلیه، در ایران برای تامین کلیه پیوندی، اهدای آن و دریافت هدیه ایثار مورد توجه قرار گرفت اما چگونگی اجرای این تدبیر توسط دولت و پرداخت پاداش، از آنرو که شائبه سوداگری عضو را موجب شده است، نیازمند اصلاح است. نیاز به عضو پیوندی، تهدیدستی برخی افراد دهنده عضو، مجوز فقهی خرید و فروش عضو، ضعف قوانین و... دستاویز مناسبی را برای واسطه گران فراهم کرده است تا به منظور کسب سود به قاچاق عضو و به ویژه کلیه اقدام کنند در حالی که در نظام حقوقی ایران عنوان مجرمانه سوداگری و قاچاق عضو پیش بینی نشده است.

**گفتار چهارم: ضرورت جرم انگاری قاچاق عضو در حقوق ایران**

موضوع سوداگری و پیوند عضو از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است و نظر به ارتباط آن با سلامت جسمانی اشخاص، آموزه های فقهی مختلفی مطرح شده است که در تحلیل حقوقی کیفی به آن ها پرداخته می شود. هر چند میان آرای فقها اختلافاتی وجود دارد، اما فقهای متأخر با توجه به منابع و قواعد فقه، موضوع پیوند و تجارت عضو را تبیین کرده اند و به نظر بسیاری از آن ها، برداشت عضو از بدن یکی برای پیوند به شخص دیگر منوط به دو شرط است؛ شرط اول، رضایت دهنده عضو است که در پرتو شرایط عمومی تکلیف حاصل می شود. بنابراین رضایت در فرض اجبار یا فریب مخدوش است، همچنان که اجازه پدر نیز مجوزی برای برداشت عضو از بدن کودک یا مجنون ایجاد نمی کند. شرط دیگر اینکه برداشت عضو موجب اضرار نفس دهنده عضو نشود (مثل مرگ او به علت برداشت عضو اصلی مانند قلب).

برخی از فقیهان برداشت عضو از بدن مرده را اصولاً نوعی مثله کردن و هتک حرمت مؤمن دانسته و حرام اعلام کرده اند، اما این اقدام را در فرض احراز رضایت قبلی شخص مثلاً با وصیت یا اجازه اولیای وی، چنانچه به ضرورت حفظ و نجات جان یک مسلمان باشد، جایز می دانند. همچنین برخی فقها با انطباق عضو بر مردار و عدم مالیت آن، خرید و فروش آن را جایز ندانسته و حرام می دانند، ولی برخی دیگر به لحاظ آن که عضو قطع شده دارای منفعتی عقلانی است، ضمن تلقی آن به عنوان مال، خرید و فروش عضو را جایز می دانند و پرداخت هرگونه وجهی را در قالب دیه -در مورد متوفا- یا دادوستد جایز می دانند و از نظر بیشتر فقهای امامیه دریافت هرگونه عوض مالی، حق دهنده عضو است.

در آموزه های حقوقی نیز خرید و فروش عضو، نامشروع ارزیابی نشده است، ولی برخی بر این باورند که پسندیده تر آن است که این عمل خیر به صورت احسان در برابر احسان انجام شود یا برخی ضمن عدم انطباق مال بر عضو، ماهیت عملی را که به برداشت عضو برای پیوند و در ازای پاداش انجام می گیرد با عقد جعاله و نه بیع منطبق می کنند.

با ملاحظه آموزه ها و آرای فقهی و حقوقی مرتبط با پیوند عضو، در کشور ما اهدای کلیه از طرف فرد زنده پذیرفته شد و شیوه اجرای آن در مصوبات وزارت بهداشت، درمان آموزش پزشکی از جمله بخشنامه های شماره ۲۱۲۷۸/ک مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۵ و ۱۳۱۰۱/س مورخ ۱۳۸۵/۲/۹ و به ویژه دستورالعمل اهدا و پیوند کلیه از اهداکنندگان زنده مشخص شد.

طبق این شیوه و رویه جاری، اهدا کننده کلیه از دولت مبلغی را تحت عنوان «هدیه ایثار» دریافت می کند و علاوه بر این، دریافت کننده کلیه یا در مواردی نهادها یا مؤسسات خیریه نیز وجوه و پاداشی را به وی می پردازند. این تدبیر که با هدف پرهیز از برخی آسیب های مرتبط با پیوند عضو طراحی شده است، در کنار برداشت عضو از بیماران مرگ مغزی تقریباً نیاز کشور به پیوند کلیه را تأمین می کند و سالانه در حدود ۱۸۰۰ عمل پیوند کلیه انجام می گیرد. در این شیوه، به موجب ماده ۳-۱ دستورالعمل یاد شده، اهدای کلیه و دریافت آن در میان افراد با تابعیت یکسان مجاز است و پیوند از یک ایرانی به تبعه بیگانه ممنوع است؛ این روش مانع از توریسم پیوند در ایران شده است.

این رویه که نوعی بازار دولتی توزیع عضو است، اگر به اهدای نوع دوستانه و انسانی عضو منجر شود، رفتاری انسانی و اخلاقی است که با ارزش های پذیرفته شده بین المللی نیز موافق است، اما از این رو که تنها تهی دستان و نیازمندان را وادار به اهدا و به عبارت بهتر، فروش عضو می کند که این امر برای تحصیل پول و منفعت مادی است، با الزامات بین المللی و ارزش های اخلاقی که هرگونه کسب منفعت از اعضای انسانی و سوداگری و قاچاق عضو را منع می کند، مخالف است. بنابراین لازم است ترتیب اجرای این تدبیر به گونه ای سامان یابد که اهدای نوع دوستانه با پرداخت منفعت مادی همراه نشود که شائبه تجارت و سوداگری عضو را به دنبال داشته باشد.

برخی ملاحظات و دلایل مثل تقاضای عضو سالم برای پیوند، تهی دستی برخی افراد دهنده عضو، ضعف قوانین، تلقی عضو انسان زنده یا مرده به عنوان مال و دریافت مجوز فقهی واگذاری آن به غیر و استحقاق دریافت عوض مالی و... دستاویزی مناسب را برای عده ای سودجو فراهم کرده است تا با سوءاستفاده از وضعیت آسیب پذیری برخی اشخاص، تجارت پرسود عضو را عهده دار شوند و بازار سیاه خرید و فروش عضو و به ویژه کلیه را به وجود آورند و بر خلاف موازین بین المللی و کرامت انسانی، اعضای انسان ها منبعی برای کسب درآمد آن ها شود. نحوه عمل برخی دستگاه های دولتی مثل استانداری ها در مورد «هدیه ایثار» یا بیمارستان های خصوصی نیز به این بازار پرسود دامن زده و پدیده نو ظهور سوداگری و قاچاق عضو را ایجاد کرده است.

برخی مقررات مانند مواد ۲-۴ و ۳-۴ دستورالعمل اهدا و پیوند کلیه از اهدا کنندگان زنده مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، هرگونه واسطه گری و تجارت کلیه و همچنین جریان سازمان یافته برای برداشت عضو تبعه ایرانی در خارج را ممنوع اعلام کرده است، ولی هنوز در حقوق ایران سوداگری و قاچاق عضو، جرم انگاری نشده و عنوان مجرمانه و واکنش کیفری مناسب ندارد. اگر در یک رفتار انحرافی و زیانبار به عنوان جرم، ملاک ها و صافی های جرم انگاری یک رفتار مد نظر قرار گیرد، به نظر می رسد اقدام دهنده یا گیرنده عضو به دلیل استیصال و اضطرار، سزاوار تعقیب کیفری نیست، ولی اقدامات واسطه ها و دلالان که گاهی از همکاری کارکنان پزشکی نیز بهره مندند، قابل اغماض نیست و جرم انگاری این نوع رفتارها و تعیین مجازات برای مرتکبان آن ضروری است؛ زیرا بر اساس ملاک های جرم انگاری یک رفتار، این رفتار با اصول و ارزش های اخلاقی و انسانی مغایر است و جرم انگاری آن و تعقیب مرتکبان به ساماندهی اهدای نوع دوستانه عضو یاری می رساند و از این حیث متضمن فایده اجتماعی است و از سوی دیگر، سایر پاسخ ها مثل پاسخ های انتظامی و اداری، کارایی لازم را برای مقابله با این پدیده و کنترل آن ندارد.

به علاوه، جرم انگاری سوداگری عضو، هماهنگ و متأثر از ارشادات و الزامات بین المللی است (جرم انگاری نزولی). قاچاق عضو مانند قاچاق انسان نقض حقوق بشر است و از آن جا که مخاطبان اصلی موازین و ارزش های حقوق بشر، دولت ها هستند که

وظیفه و قدرت اجرای حقوق بشر را دارند، جرم انگاری و تعقیب قاچاقچیان و سوداگران بر عهده آن هاست، بنابراین وضع قانون مناسب متضمن جرم انگاری «قاچاق/سوداگری عضو» از جانب قانون گذار ایران، یک ضرورت است. در وضعیت جاری، طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اصل ۳۶ و ۱۶۷ قانون اساسی، قضات دادگاه ها موظف اند موافق قوانین به دعوی رسیدگی و حکم نمایند و بر اساس قاعده فقهی «قیح عقاب بلا بیان» تا زمانی که رفتاری در قانون موضوعه جرم انگای نشده، تعقیب و مجازات آن موجه نیست.

بنابراین هرچند به اقتضای موازین اخلاقی و الزامات بین المللی، تجارت اعضای بدن عملی ناپسند است، با فقدان عنوان مجرمانه «قاچاق/سوداگری عضو» در مقررات جزایی ایران، به نظر می رسد در این وضعیت، برای مقابله با مرتکبان آن و فارغ از اعمال واکنش ها و مجازات های اداری و انتظامی مناسب (مثلا نسبت به کارکنان پزشکی مختلف) ممکن است اقدام افرادی که با فریب، اجبار یا حتی غفلت دیگران با برداشت عضو به گونه ای در فرایند سوداگری و قاچاق عضو انسان زنده یا مرده دخالت می کنند، حسب مورد با یکی از عناوین مندرج در کتاب های قصاص و دیه از قانون مجازات اسلامی همانند ایراد جنایت بر دیگری از طریق قطع عضو و حتی در مواردی سرقت یا افساد فی الارض منطبق کرد و رفتار برخی واطه ها دلالت را نیز به دلیل ترغیب یا تسهیل وقوع عمدی این جرایم، به استناد ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان معاونت در جرم تحت تعقیب قرار داد.

بی تردید این عناوین در قبال اقدامات تبهکارانه سوداگران عضو راهبرد مناسبی نیست، ولی کمترین واکنشی است که علیه آن ها اعمال می شود و اهتمام قانون گذار در جرم انگاری سوداگری و قاچاق عضو، به کاستی نظام حقوقی ایران در این مورد پایان می دهد.

همان طور که اشاره شد، قاچاق انسان با قاچاق عضو تفاوت دارد و در مواردی که قاچاق انسان به قصد برداشت عضو انجام می گیرد، عنوان قاچاق عضو مطرح نمی شود و به استناد قانون مبارزه با قاچاق انسان، اصولا با عنوان مجرمانه قاچاق انسان مواجه خواهیم بود و هرچند ماده ۳ این قانون، بر خلاف منطبق حقوقی و عنوان قانون، در درجه نخست عمل مرتکب «قاچاق انسان» را در صورتی که از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی است به این قانون احاله داده و از عنوان خاص قاچاق انسان دور کرده است.

در نهایت، در تکمیل اقدام قانون گذار در جرم انگاری قاچاق عضو، فرهنگ سازی لازم برای اهدای عضو از بیماران مرگ مغزی، ترویج اهدای نوع دوستانه عضو و تشکیل سازمان ملی پیوند عضو برای نظارت در فرایند پیوند از اقدامات مهمی است که به کنترل پدیده سوداگری عضو کمک می کند.

### نتیجه گیری:

بر این اساس می توان گفت به بردگی گرفتن انسان ها و قاچاق اعضای بدن ریشه ی بسیار عمیق در تاریخ مدون بشریت دارد. تصور نمی شد این رسم دیرینه پایان پذیرد، اما سرانجام در پرتو مبارزه بسیار طولانی مصلحان اجتماعی و انسان های در جستجوی آزادی و کرامت انسانی این نهاد، در حدود صد سال پیش ملغی گردید. با این وجود جلوه ی نوین برده داری در قالب قاچاق انسان بی هراس از مرزها، گسترش فزاینده ای یافته است. اقدامات بین المللی بسیاری در زمینه ی مبارزه با این جرم بین المللی صورت گرفته است و از آن جمله می توان به کنوانسیون بین المللی ممانعت از قاچاق بردگان سفیدپوست (۴ می ۱۹۱۰ م)، قرارداد بین المللی الغای خرید و فروش زنان و کودکان (۱۹۲۱ م)، قرارداد مربوط به بردگی و کار اجباری (۱۹۲۶

م.) در ژنو، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از قاچاق زنان کبیر (۱۹۳۳ م.)، کنوانسیون ممانعت از قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران (۱۹۴۹ م.)، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹ م.)، پروتکل الحاقی کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی در زمینه‌ی پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص بویژه زنان و کودکان (پارامو ۲۰۰۰) اشاره نمود. تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی موردی و دیوان بین‌المللی کیفری و پذیرش اساسنامه‌ی آن توسط بسیاری از کشورهای روند جهانی شدن حقوق کیفری را تحکیم بخشید. جنایات بین‌المللی بسیاری در قالب چهار دسته در صلاحیت رسیدگی این مرجع قضایی قرار گرفت که "جنایت علیه انسانیت" یکی از آن‌ها می‌باشد. این جنایت به اشکال گوناگونی از جمله به بردگی کشاندن، برده‌داری جنسی، فحشا اجباری، هتک ناموس به‌عنف، خشونت‌های جنسی، زجر و آزار و دیگر اعمال غیرانسانی صورت می‌گیرد که در بسیاری از موارد اعمال همراه با قاچاق انسان از مصادیق بارز آن به‌شمار می‌آید. قاچاق انسان توسط دیوان بین‌المللی کیفری جرم‌انگاری شده و سه رکن قانونی، مادی و روانی‌سازنده‌ی آن بر اساس ارکان جرم جنایت بر ضد انسانیت قابلیت تشکیل دارد. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد مقابله با قاچاق انسان جهانی شده است.

سیاست جنایی تقنینی ایران نیز با پیوستن به برخی معاهدات و اقدامات جهانی و الحاق، تصویب و پذیرش آن‌ها از یک سو و تصویب قوانین و مقررات در راستای عملی ساختن تعهدات ناشی از آن از سوی دیگر متأثر از جهانی شدن این مقابله بوده است. اسناد ۱۹۱۰، ۱۹۰۴، ۱۹۲۱ و ۱۹۳۳ و ۱۹۴۹ م. سازمان ملل متحد در دوران پیش از انقلاب اسلامی در ایران به تصویب رسید و قوانینی در راستای اجرای آن‌ها تهیه و تصویب شد. ایران با پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ و به موجب ماده‌ی ۳۴ خود را متعهد کرد تا برای حمایت از کودکان در برابر انواع استثمار جنسی و اقتصادی، اقدامات ملی و دو یا چند جانبه اتخاذ نماید. هم‌چنین، یک بار دیگر متأثر از اقدامات بین‌المللی در مقابله با قاچاق کودکان هم‌جهت شد و قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌های مکمل آن را در سال ۱۳۸۰ تصویب و بدترین اشکال کار کودک را مواردی از جمله بردگی، خرید و فروش و قاچاق کودک، استفاده از کودک برای فحشا معرفی کرد. قانون‌گذار با الهام از کنوانسیون حقوق کودک و محو بدترین اشکال کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را وضع کرد و متأثر از نگرانی‌ها و تلاش‌های بین‌المللی در سال ۱۳۸۳ قانون ۸ ماده‌ای "مبارزه با قاچاق انسان" را تصویب کرد. اگرچه ایران تا آگوست سال ۲۰۱۲ م. پروتکل پیش‌گیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص و بویژه زنان و کودکان سال ۲۰۰۰ م. سازمان ملل متحد را امضا و تصویب نکرد اما قانون‌گذار با الهام از پروتکل نامبرده و تحت تأثیر آن به تعریف قاچاق انسان پرداخت و تنها موارد قاچاق انسان را که با عبور از مرز صورت می‌گیرد، پوشش داد و به‌مواردی که این جرم درون مرز کشور و از یک منطقه به منطقه‌ی دیگر صورت می‌گیرد، بی‌توجهی کرد. ایران به اساسنامه‌ی دیوان ملحق نشده است و به این ترتیب یکی از واقعیت‌های حقوق بین‌الملل را نادیده گرفته است. به این ترتیب در این مبارزه‌ی بین‌المللی خود را از همکاری مرجع کیفری بین‌المللی محروم ساخته و جایگاه حقوقی خود را در جامعه‌ی بین‌الملل تضعیف کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشگیری از جرم را در اصل ۱۵۶ بطور صریح و اصل ۸ بطور غیرمستقیم مطرح کرده است و این موضوع، نشانگر اهمیت و نقش اساسی پیشگیری از جرم به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم کنترل جرایم است. اما برای پیشگیری از این جرم خاص ابتدا لازم است که علت بروز این جرم شناسایی شود. اوضاع بد اقتصادی موجب شده که مردم به‌ویژه جوانان برای حل مشکل‌های اقتصادی خود اقدام به فروش کلیه کنند. مردم به‌ویژه جوانان شهرستانی برای حل مشکل‌های مالی خود به ناچار مجبور به فروش عضو خود می‌شوند. گفتنی است که یکی از مصادیق قاچاق اعضای بدن همین فقر مالی و فقر فرهنگی است که تقریباً در همه نقاط جهان عمده‌ترین دلیل قاچاق اعضای بدن است، البته اگر در کنار رسیدگی

به اقتصاد و فرهنگ‌سازی خانواده‌ها مجازات‌های سخت‌گیرانه نیز اعمال شود حتماً به کاهش این روند کمک خواهد شد. از اموری که می‌تواند در مسیر مبارزه با قاچاق انسان موثر باشد، همکاری بین‌المللی و منطقه‌یی در قالب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه است. درباره همکاری‌های دوجانبه، توافقنامه‌یی استرداد که میان دولت ایران و برخی از کشورها منعقد شده است، در این زمینه قابل استناد باشد. در این توافقنامه فقط به لزوم استرداد مجرمان میان کشورهای طرف معاهده اشاره شده، بدون اینکه اشاره مستقیمی به بزهکاران قاچاق شده باشد.

پیشرفت علم پزشکی، موضوع پیوند اعضا را به عنوان بحثی نو مطرح نموده است و این امر از آنجایی که با تمامیت جسمی افراد مرتبط است علاوه بر علم پزشکی ارتباط تنگاتنگی با علم فقه و حقوق پیدا کرده است. در سال ۱۳۸۳ به دنبال تحولات بین‌المللی همانند الحاق به کنوانسیون پالرمو و ارائه گزارش‌هایی مبنی بر قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای همسایه، قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسید. این اقدام، خلاء قانونی در این حوزه را رفع کرد. اما تعجیل در تصویب آن موجب شد تا بسیاری از موضوعات مربوط به این جرم به سکوت برگزار شود.

قاچاق اعضا مطابق ماده یک قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ جرم انگاری شده است که مقرر می‌دارد: الف- خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

رفتار مادی فیزیکی در جرم قاچاق انسان به مانند غالب جرایم به صورت فعلی است که قانونگذار انجام آن را منع کرده است. در جرم قاچاق انسان نیز با مذاقه در تعریف ارائه شده در ماده یک، ملاحظه می‌گردد که تمامی اعمال ذکر شده در ماده فوق‌الذکر که البته جملگی حصری می‌باشند، صرفاً به صورت فعل مثبت قابل تحقق می‌باشند.

جرم قاچاق اعضا از زمره جرایم مقید بوده و شرط تحقق آن حصول نتیجه خاص می‌باشد همانگونه که از تعریف در بند الف ماده یک پیداست<sup>۱۷</sup>، مقید به «خارج» یا «وارد ساختن» یا «ترانزیت» افراد می‌باشد. لذا تا زمانی که افراد با استفاده از اجبار و اکراه یا تهدید و... البته به قصد فحشاء و... از مرزهای کشور خارج یا وارد نشده و یا مورد ترانزیت واقع نشده اند جرم قاچاق اعضا به شکل تام محقق نگردیده است. هر چند که ممکن است تحت عنوان شروع به جرم قابل تعقیب باشد. البته در خصوص عنصر نتیجه در جرم قاچاق اعضا باید متذکر شد که صرف «وارد یا خارج ساختن یا ترانزیت» اشخاص یا اعضا مشمول جرم قاچاق نبود. جرم محال را در خصوص قاچاق اعضا می‌توان تصور کرد به این ترتیب که شخصی اقدام به خروج یک طفل از مرزهای کشور به قصد برداشت کلیه (اعضا) می‌نماید در حالی که بعد از آزمایشات مشخص می‌گردد که طفل، خود مشکل کلیوی دارد.

در خصوص این عنصر سوالی پیش می‌آید که آیا جرم مذکور از لحاظ عنصر روانی با احراز سوءنیت عام محقق می‌گردد یا آنکه علاوه بر سوءنیت عام، لازم است که سوءنیت خاص هم وجود داشته باشد؟ که باید بیان داشت که جرم مورد مطالعه، با «قصد فحشاء، برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج» ارتکاب یافته و سوءنیت خاص ندارد.



پدیده سوداگری و قاچاق عضو که با هدف تحصیل پول و منفعت مادی انجام میشود و اعضای بدن انسان را همانند یک کالا در نظر میگیرد، مخالف کرامت و حقوق انسانی است و جریان اهدای نوع دوستانه عضو را سست می کند. تجویز فروش منفعت طلبانه عضو نیز خطر قاچاق عضو را به همراه دارد. ابعاد انسانی و حقوق بشر مدارانه قاچاق عضو، دولت ها را به پیش بینی چارچوب حقوقی و حرفه ای مناسب برای پیوند عضو رهنمون می کند تا پیوند عضو، سلامتی را از فردی به فرد دیگر اهدا کند نه آنکه حقوق انسان ها و بینوایان نیازمند را پایمال کند. وضعیت قاچاق عضو در ایران بسیار مبهم است و امار و ارقام آن عمدتاً نامعتبر می باشد. اطلاعات به دست آمده از منابع رسمی بسیار اندک است و این محدودیت مانع ارزیابی کارایی و اثر بخشی برخی اقدامات برای پیشگیری و پیگرد قضایی این رفتار است.

### پیشنهاد تحقیق:

۱- موضوع اهدای عضو در ایران از سال 1368 که حضرت امام خمینی (ره) فتوای جایز بودن آن را صادر فرمودند در کشور آغاز شد و از سال 1379 و به دنبال مصوبه مجلس شورای اسلامی که قانون اهدا عضو تصویب گردید در دستور کار قرار گرفت و در ادامه نیز شبکه فراهم آوری اعضا تشکیل شد ولی ممتاسفانه این تنها قانون موجود در این زمینه است که تنها به استفاده از اعضا بیماران مرگ مغزی اشاره نموده است بنابراین در مورد اهدا عضو انسان زنده با سکوت قانون مواجهیم که خود موجب آزادی عمل سوداگران در این زمینه گشته است.

۲- هیچ گونه مطالعاتی در مورد حد و حدود قاچاق اعضای بدن و سایر اشکال قاچاق انجام نشده است، لذا اندازه گیری به دلیل ماهیت مخفی قاچاق اعضای بدن بی نهایت مشکل است. وجه مشترک قربانیان این نوع جرم این است که آنها منحصرراً از ملیت های جهان دومی و کشورهای در حال توسعه بوده و انگیزه آنها منفعت مالی است. به همین دلیل مقامات و مجریان قانون از مشخص کردن حد و اندازه قاچاق اعضاء در حوزه های قضایی عاجز مانده و متعاقباً نمی توانند اقدام مناسبی در این خصوص انجام دهند

۳- تمامی کنوانسیون ها و اسناد بین المللی مطرح شده در بحث فقط برداشت اعضای بدن انسان را ذیل مبحث قاچاق انسان ذکر می کنند و هیچ کدام به برداشت و قاچاق اعضا، بافت ها و سلول های بدن به معنای اخص اشاره ای ندارند که این خود خلاء بزرگی در این زمینه می باشد. در این زمینه نیز هرچند کشور ما ایران به عضویت بعضی از کنوانسیون ها در آمده است و بعضی از آنها را امضا کرده است ولی هنوز چندین سال است به دلایل مختلف آن را تصویب نکرده است. در نظام حقوقی ایران در راستای مبارزه به این پدیده غیر انسانی گام هایی هر چند کوچک برداشته است و قانون قاچاق انسان را در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسانده است و در صدد اصلاح قانون مذکور و سایر قوانین مرتبط به منظور پیشگیری و مبارزه بهتر با قاچاق اعضای بدن انسان و حمایت از قربانیان و بزه دیدگان می باشد که خلاء نبود آن حس می شود

## الف) منابع

### ۱- کتاب ها

- ۱- مرادی، نیلوفر، خرید و فروش اعضای بدن انسان از منظر حقوق کیفری، سال انتشار: ۱۳۹۹، محل انتشار: نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ
- ۲- افشار، اسدالله، قاچاق و بردگی انسان در جهان مدرن (با نگاهی به سیر تاریخی، اسناد، اهداف، حوزه عمل، مجازات ها، پیشگیری ها و پیامدهای ناشی از آن) ناشر: سفیر اردهال، ۱۳۹۴
- ۳- اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، جلد اول،
- ۴- کریمی، بیژن، جرایم سازمان یافته در قانون مجازات اسلامی، سال انتشار: ۱۳۹۵، محل انتشار: اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی
- ۵- ذاقلی، عباس، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی، ناشر: میزان - ۱۳۹۵
- ۶- نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳
- ۷- گلدوزیان، ایرج؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴
- ۸- باقرزاده، احد، پول شویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین المللی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶، چاپ اول.
- ۹- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: مجد، ۱۳۸۰.
- ۱۰- پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم بر ضد اشخاص، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، جلد اول.
- ۱۱- تبریزی، ایرج، تجارت شیطانی، تهران: سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۲- حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین المللی، تران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- ۱۳- دلماس-مارتی، ماری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: جلد نخست، نشر میزان: ۱۳۸۱.
- ۱۴- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دید شناسی حمایتی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴، چاپ اول.
- ۱۵- ستوده، هدایت، آسیب شناسی اتماعی جامعه شناسی انحرافات، تهران: آوای نور، ۱۳۷۶، چاپ چهارم.
- ۱۶- سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافت فراملی، تهران: تهران صدا، ۱۳۸۲، چاپ اول.
- ۱۷- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۲، جلد دوم.
- ۱۸- شایان، علی (مترجم)، عدالت برای بز دیدگان، تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، چاپ اول.
- ۱۹- صاعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۳، جلد دوم.
- ۲۰- عصار، محمدتقی؛ بیابانی، غلامحسین، قاچاق انسان، تهران: نشر کارگاه، ۱۳۸۶.
- ۲۱- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۰، جلد سوم.

## ۲-مقاله ها

- ۱- آشوری، ممد، مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، همان نویسنده (زیر نظر)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران: نشر گرایش، ۱۳۸۳، چاپ اول.
- ۲- امیدی، جلیل، ارزیابی انتقادی طرح تشدید مجازات جرایم اخلاقی در امنیت روانی جامعه، نجفی ابرندآبادی، علی حسین (زیر نظر)، تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- ۳- پرویزی، رضا، «معاهده پالرمو علیه جنایات سازمان یافت فراملی»، مجله امنیت، شماره های ۱۸-۱۷، سال ۱۳۷۹.
- ۴- جروم، جی. شستاک، «نظریه حقوق بشر»، ترجمه جواد کارگزاری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۳۸۱، ۴۰.
۵۸. جمشیدی، علیرضا، مقدمه توضیحی ر: عدالت برای بزه دیدگان، ترجمه علی شایان: تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، چاپ اول.
۵۹. جعفری، محمدتقی، «حق کرامت انسانی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۱۳۷۰، ۳۷.